

بەسەندە

1  
آتۆلین

۹  
گۆرەیی زرد

هوپا  
Hoopa

# ۱ اُتولین

۹  
گره‌ی زر



نویسنده و تصویرگر: کریس ریچل

مترجم: ریحانه جعفری



**OTTOLINE AND THE YELLOW CAT**  
 "First published 2007 by Macmillan Children's  
 Books, an imprint of Pan Macmillan"  
 Copyright © Chris Riddell 2007  
 Persian Translation © Houpa Publication, 2019

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون  
 بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار  
 ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد  
 از نویسنده‌ی آن Chris Riddell و ناشر آن، Macmillan،  
 خریداری کرده است.



### رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، کریس ریدل و ناشر  
 خارجی آن، مک‌میلان، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی  
 در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش،  
 سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده  
 است.

اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی  
 در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و  
 رضایت کریس ریدل این کار را کرده است.



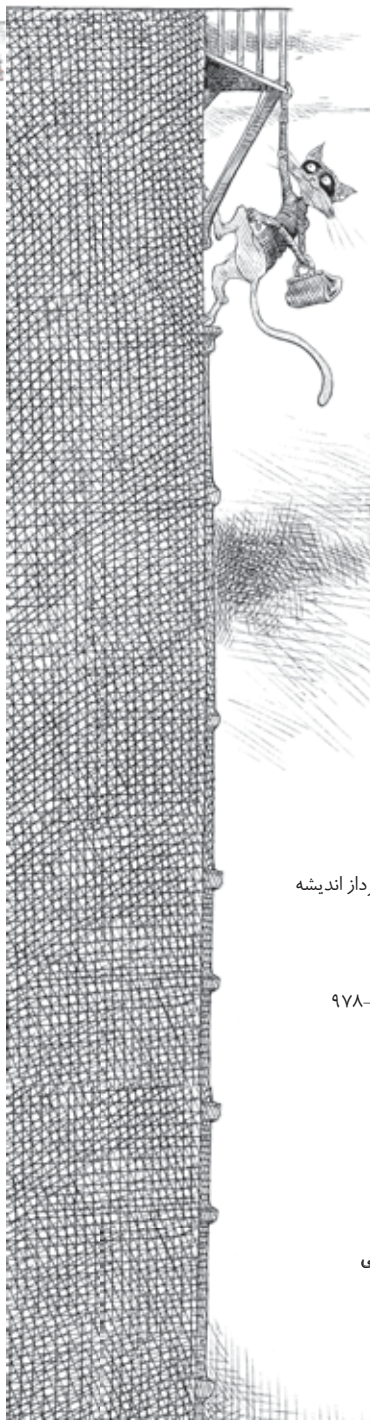
سرشناسه: ریدل، کریس، ۱۹۶۲ - م.  
 Riddell, Chris  
 عنوان و نام پدیدآور: اتولین و گربه‌ی زرد/ نویسنده و تصویرگر کریس ریدل؛  
 مترجم ریحانه جعفری.  
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.  
 مشخصات ظاهری: ۱۸۴ص: مصور.  
 شابک: ۵-۱۴۶-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۲؛ دوره: ۲-۱۴۷-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۲  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
 یادداشت: عنوان اصلی: Ottoline and the yellow cat.  
 موضوع: داستان‌های نوجوانان انگلیسی-- قرن ۲۱ م.  
 موضوع: Young adult fiction, English-- 21st century  
 شناسه افزوده: جعفری، ریحانه، ۱۳۴۱ - مترجم  
 رده‌بندی کنگره: PZ7  
 رده‌بندی دیویی: [ج]۸۲۳/۹۲  
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۵۷۶۹۷

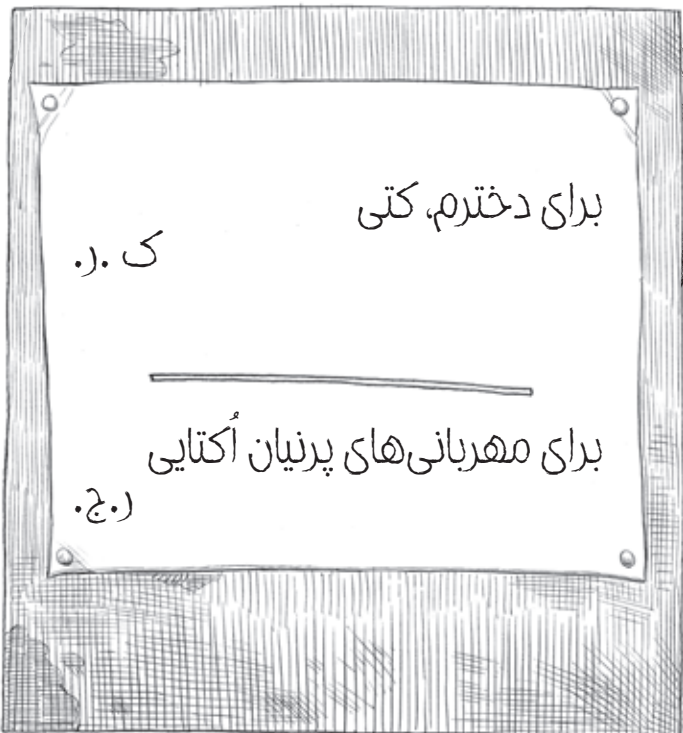
## اتولین و گربه‌ی زرد

نویسنده و تصویرگر: کریس ریدل  
 مترجم: ریحانه جعفری  
 ویراستار: نیما سرلک  
 مدیر هنری: فرشاد رستمی  
 تایپوگرافی: مهدخت رضاخانی  
 طراح گرافیک: آرزو باذغن  
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه  
 چاپ اول: ۱۳۹۸  
 تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه  
 قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان  
 شابک دوره: ۵-۱۴۶-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۲  
 شابک: ۲-۱۴۷-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۲



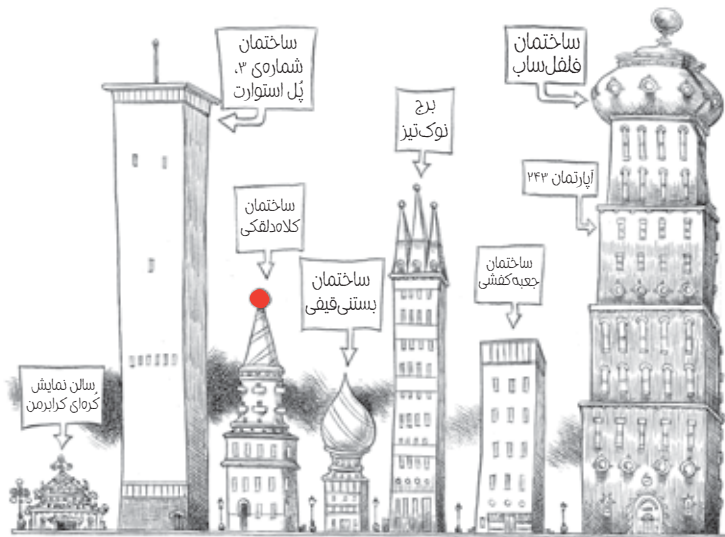
آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱،  
 واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰  
[www.hoopa.ir](http://www.hoopa.ir) [info@hoopair](mailto:info@hoopair)  
 ■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.  
 ■ هر گونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی  
 از آن مجاز است.

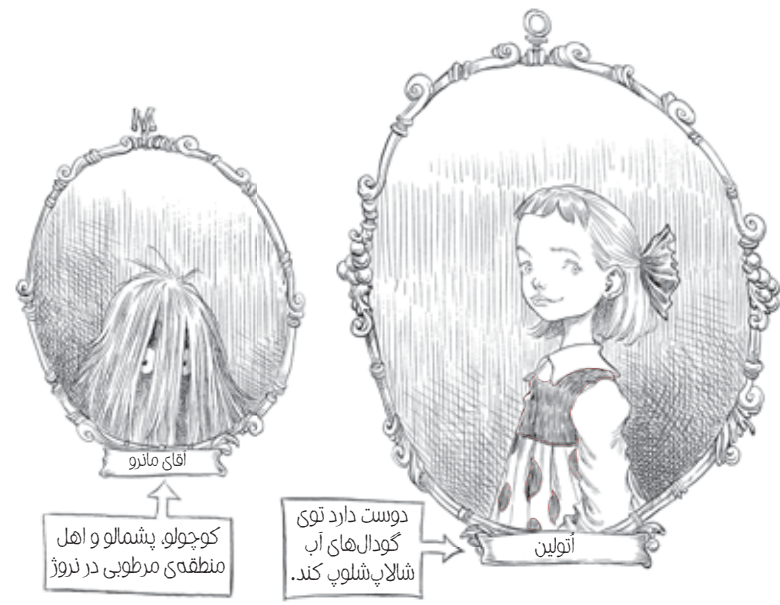




# فصل اول

اُتولین توی طبقه‌ی بیست و چهارم ساختمان «فلفل ساب» زندگی می‌کرد. اسم ساختمان‌شان برج پ.و. هافلدینک بود، اما چون عین فلفل ساب بود همه بهش می‌گفتند ساختمان فلفل ساب.





آتولین با آقای مانرو، که کوچولو و پشمالو بود و باران را دوست نداشت و موهایش را شانه نمی‌زد، توی آپارتمان ۲۴۳ زندگی می‌کرد.

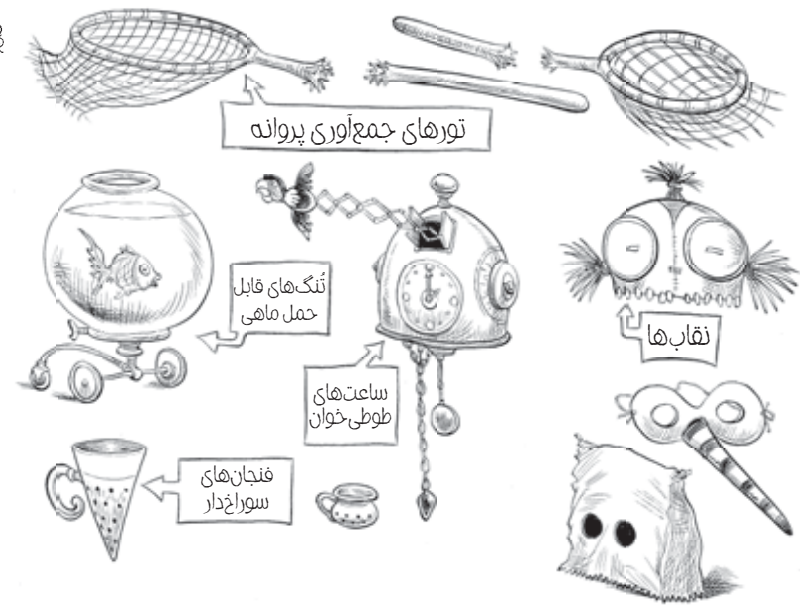
از طرف دیگر، آتولین عاشق همه‌جور هوایی بود؛ به‌خصوص بارانی، چون دوست داشت توی گودال‌های آب شلاپ‌شلوپ کند. در ضمن دوست داشت موهای آقای مانرو را شانه کند. این کار بهش آرامش می‌داد و کمکش می‌کرد فکر کند؛ مخصوصاً وقتی باید مسئله‌ی پیچیده‌ای را حل می‌کرد یا نقشه‌ی بی‌نقصی می‌ریخت.

آتولین حلِ معماهای پیچیده و کشیدن نقشه‌های بی‌نقص را حتی بیشتر از شلاپ‌شلوپ توی گودال‌های آب دوست داشت. او برای هر چیز جالب یا غیرمنتظره چشم و گوشش را باز نگه می‌داشت. آقای مانرو هم همین‌طور.

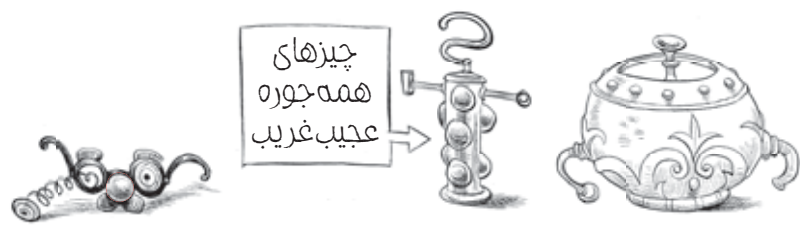


آتولین حلِ معماهای پیچیده و کشیدن نقشه‌های بی‌نقص را حتی بیشتر از شلاپ‌شلوپ توی گودال‌های آب دوست داشت. او برای هر چیز جالب یا غیرمنتظره چشم و گوشش را باز نگه می‌داشت. آقای مانرو هم همین‌طور.

بابا و مامان اُتولین دور دنیا سفر می‌کردند و چیزهای باحال جمع می‌کردند. آپارتمان ۲۴۳ پر از چیزهایی بود که آن‌ها جمع کرده بودند.



بابا و مامان اُتولین قول داده‌اند وقتی اُتولین بزرگ‌تر شد با آن‌ها برود سفر، اما تا آن موقع باید توی خانه بماند و مراقب چیزمیزهایشان باشد. اُتولین خیلی به این موضوع توجه نمی‌کرد؛ چون آقای مانرو حواسش جمع بود.



یک روز آقای مانرو برای گردش عصرگاهی بیرون رفته بود که پوستری روی تیر چراغ برق توجهش را جلب کرد. چراغ برقی بیرون سالن نمایش گره‌ای کرابرمن. آقای مانروی کوچولوی پشمالو، آن را با احتیاط کند، تا کرد و چون جیب نداشت گذاشتش زیر بغلش و پوستر را با خودش بُرد خانه.

صفحه‌ای  
از دفتر  
آتلین



بزرگ‌ترین گودال  
آب اینجا است!

ورود ماشین  
ممنوع

\* حتماً یارتان باشد  
چتر و طبقه بیاورید!

این  
قسمتش  
را رابرت  
جویده









آقای مانرو رفت توی اتاقش. حسابی شلخته پلخته بود. وقتی برگشت، آتولین دوباره مجموعه‌ی کفش‌های قدیمی‌اش را مرتب کرد.

آتولین دو تا مجموعه داشت که تمامشان مال خودش بود. یکی‌اش مجموعه‌ی کفش‌های عجیب و غریب بود که حسابی بهش می‌نازید. هر وقت آتولین یک جفت کفش می‌خرید، یک لنگه‌اش را می‌پوشید و آن یکی را می‌گذاشت توی کلکسیونش.



# عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خور دنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:  
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛  
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جای‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛  
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر.....



اینستاگرام هوپا

hoopa\_publication



کانال تلگرام هوپا

<https://t.me/hoopabooks>



سایت هوپا

[www.hoopa.ir](http://www.hoopa.ir)



باشگاه هوپایی‌ها

<http://t.me/hoopaclub>

